

تحلیلی از خلق امام حسن(ع) و زمانه‌اش



در روایات بسیاری از احسان و ایثارگری امام سخن به میان آمده است. در کتاب ارزشمند «الحیاه» که با ترجمه احمد آرام منتشر شده، آمده است که امام حسن مجتبی «ع»، دو بار از همه مال خود دست کشید و سه بار اموالش را در راه خدا تقسیم کرد؛ حتی کفشی را می بخشید و کفشی دیگر را نگه می داشت.

تابناک نوشت: در روایات بسیاری از احسان و ایثارگری امام سخن به میان آمده است. در کتاب ارزشمند «الحیاه» که با ترجمه احمد آرام منتشر شده، آمده است که امام حسن مجتبی «ع»، دو بار از همه مال خود دست کشید و سه بار اموالش را در راه خدا تقسیم کرد؛ حتی کفشی را می بخشید و کفشی دیگر را نگه می داشت.

به گزارش ایسنا، در ادامه مطلب تابناک می‌خوانید: همزمان با رحلت جانشوز پیامبر اسلام در بیست و هشتم صفر، شهادت جانگداز امام حسن مجتبی، کریم اهل بیت، دومین نور ولایت، صاحب کرامت و شفیع قیامت، نیز به وقوع می‌پیوندد تا ماه صفر با مصیبت‌هایی بزرگ به پایان برسد.

اگر به زندگی امام حسن مجتبی (علیه السلام) براساس گزارش های روایی و تاریخی نگاه گذرا شود به خوبی می توان دریافت که آن امام همام (علیه السلام) الگوی کامل احسان بوده است. خداوند در سوره انسان (هل اتی) گزارشی کامل از احسان و ایثارگری امام و خانواده آن حضرت (علیه السلام) از پدر و مادر و برادر و خواهر بیان می کند.

آن حضرت (علیه السلام) در خردسالی در زمانی که هر کودکی برای امور کوچک و جزئی گریه می کند و در برابر غذا و گرسنگی بی تاب می کند، نه تنها یک شبانه روز بلکه سه شبانه روز از غذای خویش می گذرد و همانند برادر خردسالش آن را به افراد فقیر و یتیم و اسیر می دهد. (انسان آیه 8)

این خصوصیت و منش اخلاقی که در کنف تربیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) پدید آمده بود، موجب شد که وی تا آخر عمر به عنوان یکی از محسنان و نیکوکاران روزگار مطرح باشد. در روایات بسیاری از احسان و ایثارگری امام سخن به میان آمده است. در کتاب ارزشمند «الحیاه» که با ترجمه احمد آرام منتشر شده آمده است که امام حسن مجتبی «ع»، دو بار از همه مال خود دست کشید، و سه بار اموالش را در راه خدا تقسیم کرد، حتی کفشی را می بخشید و کفشی دیگر را نگاه می داشت.

این که حضرت دو بار همه دارایی و ثروت خویش را میان خود و فقیران تقسیم کرد عملی است که از بسیاری برنمی آید و کم تر کسی به خود چنین جرأت می دهد که از آن همه اندوخته ها و مالی که به سختی و زحمت از راه کشاورزی و جهاد و تجارت به دست آورده دست بکشد و به دیگران بخشد. تنها خاندان اهل بیت (علیهم السلام) و پیروان صدیق ایشان هستند که از چنین منش و خلق و خوئی بهره مند می باشند.

آن حضرت خود چنان بود که با عمل و گفتار دیگران را به احسان دعوت می کرد و می فرمود: تمام کردن احسان از آغاز کردن آن بهتر است.

چنان که از آن حضرت نقل کرده اند که می فرمود: هرکس احسان های خود را به زبان آورد بخشنده خود را تباه کرده است. و یا می فرمود: احسان آن است که تأخیری در پیش و منتهی در پس نداشته باشد.

امام حسن، اسوه احسان و کرم در برابر جور زمانه

در روایات آمده است که مردی خدمت امام حسن (علیه السلام) آمد و عرض کرد: ای فرزند امیرالمؤمنین به حق آن خدایی که نعمت بسیار بر شما کرامت فرموده تو را قسم می دهم که به فریاد من برسی و مرا از دشمنی که حرمت پیران را نگه نمی دارد و به کودکان و نوجوانان رحم نمی کند، نجات دهی.

امام پرسید: دشمن تو کیست تا از او دادخواهی کنم؟

آن مرد گفت: فقر است.

امام به خادم خود دستور داد: «هر چه مال در نزد تو هست به او بده».

او پنج هزار درهم حاضر کرد و به او داد.

امام (علیه السلام) رو به مرد فقیر کرد و گفت: «تو را به خداوند متعال قسم می دهم که هر وقت این دشمن بر تو رو آورد شکایتش را نزد من بیاور تا از تو دفع شر کنم».

احسان و ایثار امام تنها در مال و اموال نبود بلکه هم چنان که در قرآن آمده، در برابر اعمال دیگران که خشم را به دنبال می آورد روش کظم الغیظ را پیش می گرفت (آل عمران آیه 134) و با عفو و گذشت احسان می نمود. چنان که در روایات آمده روزی امام (علیه السلام) از راهی عبور می کرد مردی از اهل شام با آن حضرت روبرو شد و بدون مقدمه شروع به ناسزا گفتن نسبت به ایشان کرد. حضرت هیچ عکس العملی نشان نداد.

وقتی آن مرد از ناسزا گفتن باز ایستاد، امام به او نزدیک تر شد و با تبسم به او سلام کرد. آن گاه فرمود: «اگر اجازه بدهید حاضرم به شما کمک کنم. اگر چیزی لازم داری آن را برایت فراهم کنم یا اگر راه را گم کرده ای آن را به تو نشان دهم و اگر گرسنه ای ترا سیر کنم، اگر فقری بی نیازت سازم. به هر حال اگر حاجتمندی حاضرم در برآوردن حاجت تو بکوشم».

چون مرد شامی این رفتار را از امام حسن دید، ناگهان به گریه افتاد و گفت: «اشهد انک خلیفه الله فی ارضه؛ گواهی می دهم

که تو خلیفه خدا در روی زمین هستی».

در تاریخ آمده است که حسن بن علی (علیه السلام) پس از جد بزرگوارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و پدر گرامی اش علی بن ابیطالب (علیه السلام) از همه مردم زاهدتر بود.

شخصی به نام مدرک بن زیاد می گوید: روزی در یکی از باغ های ابن عباس بودیم. غذای مناسبی آوردند. امام حسن دستور دادند که کارگران و خدمت گزاران را جمع کنند و آن غذای خوب را به آنها بدهند.

مدرک می گوید: خود امام لب به آن غذا نزد و مشغول خوردن نان با قدری نمک شد.

وقتی به آن حضرت گفته شد شما چرا از آن غذای خوب میل نمی کنید، در جواب فرمودند: «ان ذاک الطعام احب عندی؛ این خوراک را بیشتر دوست دارم».

نگاهی گذرا به فرازهای زندگی آن حضرت

پیشوای دوم جهان تشیع در نیمه ماه رمضان سال سوم هجرت در شهر مدینه دیده به جهان گشود. حسن بن علی (علیه السلام) از دوران جد بزرگوارش چند سال را بیشتر درک نکرد؛ زیرا او تقریباً هفت سال بیش نداشت که پیامبر اسلام بدرود زندگی گفت.

پس از درگذشت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تقریباً سی سال در کنار پدرش امیرمؤمنان (علیه السلام) قرار داشت و پس از شهادت علی (علیه السلام) شش ماه بر مسلمین خلافت کرد. آن امام والامقام در طول عمر مبارک خود دوبار تمام ثروت و دارایی خویش را در راه خدا بخشید و سه بار تمام اموال خود را وقف کرد.

به گفته مورخان، امام حسن مجتبی (علیه السلام)، فردی شجاع، دلیر و مبارز بود و در غالب جنگ هایی که امام علی (علیه السلام) حضور داشتند آن حضرت نیز حضور داشت.

امام حسن (علیه السلام) مسئولیت امامت و رهبری شیعیان را در فضایی نابسامان به عهده گرفت. در این زمان امام (علیه السلام) در برابر مکر معاویه قرار گرفت و ناچار شد صلح کند.

بی شک ارزش صلح امام حسن (علیه السلام)، با توجه به شرایط زمانی و مکانی خاص خود، کمتر از جنگ و شهادت امام حسین (علیه السلام) نبود. خیانت طرفداران ایشان، تهدید و تطمیع های معاویه و نهایتاً تشکیل مثلث زر و زور و تزویر باعث بروز وقایعی شد که امام (علیه السلام) را مجبور به امضای صلحنامه با معاویه کرد. در این شرایط امام مجتبی (علیه السلام) منطقاً و قاعدتاً نمی توانست وارد مبارزه با معاویه گردد تا اینکه ایشان ناچار به پذیرش صلح تحمیلی شد.

براساس این صلحنامه، حکومت به این شرط که به کتاب خدا و سنت رسول او و سیره خلفای صالح، عمل کند به معاویه سپرده می شود. در ضمن، پس از معاویه خلافت به امام حسن (علیه السلام) واگذار می گردید. همچنین معاویه براساس این صلحنامه ملزم شد که دشنام دهی به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و بد گفتن از ایشان در منابر را ممنوع سازد. در امان بودن یاران امام علی (علیه السلام) عدم تعرض به آنان و محفوظ ماندن جان و مال و فرزند و ناموس شان از هر گزند از دیگر مفاد این صلحنامه به شمار می رفت.

بی تردید می توان گفت صلح امام حسن (علیه السلام)، چهره واقعی معاویه را آشکار ساخت و دستگاه جور او را به مردم شناساند. از این رو معاویه درصدد حذف فیزیکی امام برآمد و سرانجام، نقشه کشتن او را طراحی کرد.

امام حسن (علیه السلام) در سال پنجاه هجری، به وسیله زهری که همسرش جعده به دستور معاویه به او خوراند، در 84 سالگی به شهادت رسید. مزار شریفش در قبرستان بقیع، در کنار سه امام معصوم دیگر است.